

حوزه حدیثی مغاربه

مهدی مهریزی*

چکیده

غرب جهان اسلام در کنار حجاز و شام و عراق و نیز ایران سه منطقه اصلی حدیث اهل سنت در ادوار مختلف تاریخی بوده است. این نوشتار گزارشی کوتاه از فعالیت‌های حدیثی اهل سنت در غرب جهان اسلام است. پیش از تبیین حدود جغرافیایی و منبع‌شناسی چگونگی ورود حدیث به غرب، فعالیت‌های عمده حدیثی مغربیان محدثان بزرگ و آثار برجسته حدیثی، ارتباط غرب و شرق جهان اسلام در گسترش حدیث و ویژگی‌های حوزه حدیثی مغاربه به بحث گذاشته شده است. کلید واژه‌ها: حدیث، مغاربه، مراکز حدیثی، اهل سنت، تاریخ حدیث.

عمده فعالیت‌های حدیثی اهل سنت، در طول تاریخ، در سه حوزه بزرگ جغرافیایی اتفاق افتاده است:

۱. کشورهای شرق عربی اسلامی (حجاز، عراق، شام).
 ۲. ایران (ری، خراسان و قزوین).
 ۳. کشورهای غرب عربی اسلامی (اندلس، و شمال آفریقا).
- حجاز از آن رو که پایگاه اسلام بود و بعثت پیامبر در آن اتفاق افتاد، نخستین مرکز تلقی می‌شود و با اندک فاصله‌ای این فعالیت‌ها به عراق و شام نیز می‌رسد. ایران دومین حوزه حدیثی اهل سنت به شمار می‌رود که محدثانی چون مؤلفان صحاح سته، حاکم نیشابوری، بیهقی و... از آن برخاسته‌اند. سومین مرکز، غرب جهان اسلام است که از آن به نام مغاربه یاد می‌کنیم. ورود حدیث به آن سامان و رونق فعالیت‌های حدیثی، به جهت بعد مسافت، دیرتر اتفاق افتاد از این رو، در جایگاه سوم قرار می‌گیرد؛ گرچه پس از ورود حدیث، فعالیت‌های مهمی در آنجا صورت گرفته است. در این نوشته گزارشی از ورود حدیث به غرب جهان اسلام و فعالیت‌های حدیثی آن ارائه می‌گردد. برای بررسی این موضوع، مباحث را در چند محور اصلی دنبال می‌کنیم:

۱. تعیین حدود جغرافیایی،
۲. منبع‌شناسی،
۳. چگونگی ورود حدیث،
۴. فعالیت‌های عمده حدیثی،
۵. محدثان بزرگ و آثار برجسته حدیثی مغربی‌ها،
۶. ویژگی‌های حوزه حدیثی مغاربه،

۱. تعیین حدود جغرافیایی

در لغت‌نامه دهخدا در تعریف مغرب چنین آمده است:

نامی است که جغرافی‌دانان اسلام به شمال آفریقا (تونس، الجزایر، مراکش و...) داده‌اند و علاوه بر این کشورها بر اندلس نیز اطلاق می‌شده است.^۱

عبدالله التلیدی نویسنده کتاب تراث المغاربة در تعریف مغاربه می‌نویسد:

المغاربه الذی عنیت باثارهم: هم اهل الاندلس والمغرب الاقصى و شنقیط، فهم وحدة فی الجغرافیا والحضارة والتاریخ المشترك.^۲

ابراهیم بن صدیق نیز در کتاب الجرح و التعمیل فی المدرسة المغربية می‌نویسد:

المقصود من المغرب، هو المغرب بعدوتیه: الاندلس والمغرب الاقصى. فهما يعتبران من الناحية العلمية قطراً واحداً، و اذا امکن فصلهما سياسياً فی بعض الحقب فمن العسیر فصلهما علمياً و فکریاً، لان بین علمائهما من التداخل و الترابط و التزاور و الاشتراک فی الشیوخ و المذهب و التفكير، و المنهج، ما يتعذر فصلهما.^۳

مهم‌ترین شهرهای اندلس در قرن چهارم قمری عبارت‌اند از: قرطبه، شاطبه، اشبیله و غرناطه، که قرطبه بزرگ‌ترین شهر و مرکز حکومت امیران و خلیفگان اموی بوده است.^۴

۲. منبع‌شناسی

منابعی که در معرفی حوزه حدیثی مغاربه نگارش شده، به سه گروه قابل دسته بندی است: منابع عام که شامل شمال آفریقا و اندلس است، منابع اختصاصی شمال آفریقا و منابع اختصاصی اندلس. آنچه تاکنون بر آن دست یافتیم، به تفکیک یاد شده معرفی می‌گردد:

۱. منابع عام

۱. تراث المغاربة فی الحدیث النبوی و علومه، محمد بن عبدالله التلیدی، دارالبشائر، ۱۴۱۶ق/ ۱۹۹۵م.

۱. لغت‌نامه دهخدا، ج ۱۴، ص ۲۱۲۱۸.

۲. تراث المغاربة، ص ۳۰.

۳. الجرح و التعمیل فی المدرسة المغربية للحدیث، ج ۲، ص ۳. جهت آگاهی بیشتر، ر.ک: مقدمه‌ای بر مغرب اسلامی، ص ۳-۵.

۴. دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۳۲۴.

۲. الجرح و التمدیل فی المدرسة المغریة للحدیث، ابراهیم بن الصدیق، مغرب: طبعة فضالة، ۱۴۲۱ق / ۲۰۰۱م، ۲ جلد، ضمن مجموعة كتاب دعوة الحق، ش ۸.

۳. صحیح البخاری فی الدراسات المغریة.^۵

۴. مدرسة الامام البخاری فی المغرب، د. یوسف الکتانی، بیروت: دار لسان العرب.

۲. منابع مربوط به شمال آفریقا

۱. مدرسة الحدیث فی القيروان، حسین بن محمد شواط، من الفتح الاسلامی الی منتصف القرن الخامس الهجری، الدارالعالمیة للكتاب الاسلامی، ۱۴۱۱ق، ۲ ج.

۲. الحدیث بافریقیة من القرن السادس الی القرن الثامن، ۲ ج.^۶

۳. معجم الحدیث بالمغرب الاقصى، عبدالعزیز بن عبدالله، مغرب: المطبعة المحمدیة.

۳. منابع مربوط به اندلس

۱. محمّد بن وضاح القرطبی، مؤسس مدرسة الحدیث بالاندلس، د. نوری المعمر، رباط: مكتبة المعارف، ۱۴۰۳ق.

۲. معجم شیوخ ابی عبدالرحمن بقی بن مخلد، معمر نوری، تطوان: مطبعة الهدایة.

۳. بقی بن مخلد القرطبی و مقدمة مسنده، بقی بن مخلد قرطبی، تحقیق: اکرم ضیاء العربی، ۱۴۰۴ق.

۴. حركة الحدیث بقرطبة، عبدالرحمن ابن عتاب، تحقیق: خالد الصمدی، مغرب: وزارت الاوقاف و الشؤون الاسلامیة، ۱۴۱۵ق.

۵. اخبار الفقهاء والمحدثین بالاندلس، محمد بن حارث الخشنی القيروانی (م ۳۶۱ق)، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۰ق / ۱۹۹۹م.

در این اثر ۵۲۷ فقیه و محدث تا نیمه قرن چهارم (زمان فوت مؤلف) معرفی شده است، ولی فقها و محدثان از هم تفکیک نشده‌اند. گمان بر این است که بیش از نیمی از افراد معرفی شده محدث‌اند.

۶. «الکتب الحدیثیة المشرقیة فی الاندلس»، د. محمد بن زین العابدین رستم، مجلة الاحیاء، ش ۳۲، ۱۴۲۴ق / ۲۰۰۰م.

۷. «حدیث در اندلس»، ایزابل فیه رو، مترجم: محمدکاظم رحمتی، فصلنامه علوم حدیث، ش ۱۶، ص ۱۲۹ - ۱۶۰.

۸. دائرة المعارف بزرگ اسلامی، محمد کاظم موسوی بجنوردی، تهران: مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۳۳۲.

۵. از این کتاب در کتاب تراث المغاربة، ص ۳۰ یاد شده و اطلاعات بیشتری در دست نیست.

۶. این اثر در مدرسة الحدیث بقیروان، ج ۱، ص ۱۲ معرفی شده است و اطلاع بیشتری از آن در دست نیست.

۳. چگونگی ورود حدیث

ورود مسلمانان به آفریقا در سال ۲۷ قمری بود و دوره فتح آن سرزمین پنجاه سال به طول انجامید؛ یعنی در سال ۸۵ مسلمانان استقرار یافتند.^۷

قیروان شهری است که عقبه در سال ۵۰ قمری بنا کرد و پایگاه مسلمانان شد.

ورود مسلمانان به اندلس و شبه جزیره ایبری و فتح این منطقه در سال ۹۳ قمری رخ داد.^۸ آنچه در اینجا مورد نظر است، بررسی چگونگی و زمان ورود حدیث به این منطقه است. با توجه به این که زمان ورود مسلمانان به دو منطقه شمال آفریقا و اندلس متفاوت است، زمان ورود حدیث و چگونگی آن نیز متفاوت است و باید این امر را جداگانه بررسی کرد. نخست، به شمال آفریقا پرداخته و سپس از زمان ورود حدیث و چگونگی آن به اندلس سخن خواهیم گفت:

ورود حدیث به قیروان

حسین بن محمد شواط کتابی با نام مدرسة القيروان من الفتح الاسلامی الی منتصف القرن الخامس الهجری نوشته است. وی در این کتاب بر این باور است که ورود حدیث به قیروان توسط ده تن از صحابه در نیمه نخست قرن اول هجری صورت گرفته است.

صحابه‌ای که از آنان حدیثی در قیروان نقل شده و در ورود حدیث نقش داشته‌اند، عبارت‌اند از:

۱. جبلة بن عمرو الانصاری، حدیث وی از طریق خالد بن ابی‌عمران تونسلی (م ۱۲۵ق) از طریق سلیمان بن یسار بوده است.

۲. رویف بن ثابت انصاری، حدیث او از طریق حنش بن عبدالله الصنعانی (م ۱۰۰ق) بوده است.

۳. زیاد بن حارث صدایی، حدیث او از طریق عبدالرحمن بن زیاد آفریقی از زیاد بن نعیم بوده است.

۴. سفیان بن وهب خولانی، حدیث او را غیاث بن ابی‌شیب جبرانی نقل کرده است.

۵. عبدالله بن سعد بن ابی‌سرح، حدیث او را ابن‌عبدالرحمن از عبدالله بن ربیع آورده است.

۶. عبدالله بن عمر بن خطاب، حدیث او را مسیره الزرودی آورده است.

۷. فضالة بن عبید انصاری، دو روایت حنش از او نقل کرده است.

۸. مُنیذر اسلمی آفریقی، حدیث او را ابوعبدالرحمن حبلی نقل کرده است.

۹. ابوزمعه بلوی،

۱۰. ابویقظان، حدیث او را ابوعشانه معافری نقل کرده است.^۹

وی نوشته است ۴۵ نفر از صحابه وارد قیروان شدند که از آن میان، ده نفر یاد شده در نشر و

ترویج حدیث نقش داشته‌اند.^{۱۰}

۷. دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۹، ص ۴۵۳، ص ۳۵-۴۲.

۸. همان، ج ۱۰، ص ۳۲۶.

۹. مدرسة الحديث بقیروان، ج ۲، ص ۴۶۹-۴۸۰.

۱۰. همان، ص ۴۸۰-۵۰۲.

نویسنده، در ادامه، به حضور دو تن از تابعان که نقش بسیاری در نشر حدیث داشته‌اند، یعنی ابومنصور فارسی و کیسان المقبری و ده نفری که عمر عبدالعزیز برای تعلیم مردمان آن منطقه فرستاد، اشاره می‌کند.^{۱۱}

به جز اینها بیست تن از تابعیان در قیروان سکونت گزیده و ماندگار شدند و تأثیر چشمگیری در نشر حدیث داشتند.^{۱۲}

در ادامه به محدثان قیروانی نوبت می‌رسد که با سفر به مشرق و یا آموختن در قیروان به کار نشر حدیث اشتغال داشتند. تعداد آنها تا نیمه قرن پنجم به ۱۸۲ نفر می‌رسد.^{۱۳}

وی بر این عقیده است که نگارش حدیث در قیروان تا قرن پنجم سه مرحله داشت:

مرحله نخست، تدوین سماعات و مرویات بود که به صورت اجزای حدیثی یا کتاب‌های کوچک صورت می‌گرفت و تا نیمه دوم قرن دوم ادامه داشت. پس از آن، نوبت به تصنیف جامع می‌رسد و آثار مبوب و مدون در حوزه‌های فقه و تفسیر با تکیه بر حدیث نگارشته شد. در این مرحله از آثار محمّد بن سحنون (م ۲۵۶ق) می‌توان یاد کرد. در مرحله سوم، تدوین کتاب‌های جامع حدیثی، شرح نویسی، گزیده نویسی و تراجم و طبقات صورت پذیرفت.^{۱۴}

پایان بخش کتاب، معرفی ده اثر از آثار برجسته قیروانی‌ها تا پایان قرن پنجم است که آنها را در چهار بخش بدین صورت تنظیم کرده است:

۱. المصنفات علی الابواب

۱. کتاب السنن او الجامع فی السنن والاداب والمغازی والتاریخ، لابن ابن یزید القیروانی (م ۳۸۶ق)،
۲. کتاب المُلخّص لما فی الموطأ من الحدیث المسند بروایة سحنون عن ابی القاسم عن مالک، للقباسی (م ۴۰۳ق).

۲. الطبقات:

۱. طبقات علماء افریقیة، لابی العرب التمیمی (م ۳۳۳ق)،
۲. طبقات علماء تونس، لابی العرب التمیمی (م ۳۳۳)،
۳. طبقات علماء افریقیة للّخّسنی (م ۳۶۱ق)،
۴. ریاض النفوس، للمالکی (فوت بعد از ۴۲۶ق).

۳. رجال الحدیث:

۱. ثقات المحدثین و ضعافهم، لابی العرب (م ۳۳۳ق)،

۱۱. همان، ص ۵۱۳-۵۲۳.

۱۲. همان، ص ۵۲۳-۵۳۵.

۱۳. همان، ص ۵۳۹ و ۵۳۹-۷۳۴.

۱۴. همان، ص ۷۸۸-۸۰۳.

۳. المصنفات التي جمعت بين الحديث و غيره:

۱. تفسير يحيى بن سلام (م ۲۰۰ق)،
۲. المدونة الكبرى، للامام سحنون بن سعيد التتوخي (م ۲۳۰ق)،
۳. آداب المتعلمين، لمحمد بن سحنون (م ۲۵۶ق).^{۱۵}

ورود حدیث به اندلس

درباره ورود حدیث به اندلس در میان پژوهشگران و نویسندگان به دو رأی برمی‌خوریم:

رأی اول

گروهی زمان آن را نیمه قرن دوم می‌دانند و مروجان آن را معاویه بن صالح حمصی (م ۱۵۸ق) و صعصعة بن سلام شامی (م ۱۸۰ق) دانسته‌اند.

ابن‌الفرضی (م ۴۰۳) گفته است:

و كان [صعصعة بن سلام الشامي] اول من ادخل الحديث الاندلس.

و نیز می‌گوید:

روى عن صعصعة من اهل الاندلس: عبد الملك بن حبيب و عثمان بن ايوب و غيرهما.^{۱۶}

در دایرة المعارف بزرگ اسلامی می‌خوانیم:

در سده سوم، همزمان با موج مسندنویسی در محافل شرق، در اندلس جریانى ضعيف از پرداختن به سبکی مشابه از حدیث دیده می‌شود. برجسته‌ترین نمونه از محدثان این دوره بقى بن مخلد قرطبی است که در مصنف خویش از افزون بر هزار و سیصد تن از صحابه حدیث آورده است. در جریان یاد شده، همچنین می‌توان محدثانی چون معاویه بن صالح حضرمی، قاسم بن محمد، محمد بن وضاح و محمد بن عبدالسلام خشنی را نام برد.^{۱۷}

عبدالله التلیدی نوشته است:

فمعاوية بن صالح الحمصي (م ۱۵۸ق) يرحل الى الاندلس و يروى عنه الناس... و صعصعة بن سلام الشامي (م ۱۸۰ق) ينشر بالاندلس فقه و حدیث الاوزاعي.^{۱۸}

اینان دلیل و شاهی بر این رأی ارائه نکرده‌اند، اما گمان می‌رود به استناد محدث بودن این افراد و حضورشان در اندلس به این استنتاج رسیده‌اند.

رأی دوم

در مقابل، رأی دیگری از سوی برخی محققان مسلمان و نیز خاورشناسان ارائه شده است؛ این گروه

۱۵. همان، ص ۸۰۶-۹۸۸.

۱۶. تاریخ العلماء والرواة للعلم بالاندلس، ج ۱، ص ۲۴۰.

۱۷. دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۰، ص ۳۳۲.

۱۸. تراث المغاربة، ص ۲۳.

معتقدند ترویج و نشر حدیث در اندلس به قرن سوم باز می‌گردد.

این فرضی دربارهٔ بقی بن مخلد نوشته است:

و بقی بن مخلد ملاً بالاندلس حدیثاً و روایة، و انکر علیه اصحابه الاندلسیون: عبدالله بن خالد، و محمد بن الحارث و ابوزید ما ادخله من: کتب الاختلاف و غرائب الحدیث و اغروا به السلطان و اخافوه به. ثم ان الله بمنه و فضله اظهره عليهم، و عصمه منهم. فنشر حدیثه و قرأ للناس روایتہ فمن یومئذ انتشر الحدیث بالاندلس.^{۱۹}

دکتر نوری المعمر از کسانی است که بر این عقیده است. وی در کتابش دربارهٔ محمد بن وضاح قرطبی نوشته است:

حالة الحدیث بالاندلس قبل ابن وضاح وبقی بن مخلد:

لم تكن وضیة الحدیث بالاندلس - قبل مجيء محمد بن وضاح، وبقی بن مخلد القرطیبین - مرضیة، فلم یُعرف الحدیث قبلهما كعلم مستقل له أسسه وقواعده و منهجیته التي یحويها علم الحدیث روایة و درایة، و كان المعروف منه غالباً لا یتعدى موطأ مالك بن أنس. و یعود السبب فی ذلك إلى عدم عناية طبقة الشيوخ بالحدیث عنایتهم بالفقه المالکی، الأمر الذي جعلهم متخلفین فيه.

فقرعوس بن العباس بن قرعوس الذي سمع من مالك بن أنس: كان فقیهاً مالکیاً، لكن لا علم له بالحدیث.

و یحیی بن یحیی اللیثی الذي روى عن الإمام مالك أيضاً: كان من شیوخ الفقه المالکی، غیر أنه لا علم له بالحدیث.

و عبد الملك بن حبيب الیلیری، بالرغم من أنه أول من أظهر الحدیث بالاندلس، كان لا يفهم صحیحه من سقیمه.

كما نجد أن داود بن جعفر الذي روى عن مالك بن أنس، بالرغم من أنه كان محدثاً، و صعصعة بن سلام الشامی (ت ۱۹۲ق) رغم أنه كان أول من أدخل الحدیث للاندلس، لم یتركا شيئاً یذكر فی هذا المجال، لا فی خلق بیئة حدیثیة، ولا فی تكوين مدرسة، مثلما هو الحال بالنسبة للشیخین: محمد بن وضاح، و بقی بن مخلد.^{۲۰}

ایزابیل فیهر و^{۲۱} معتقد است معاویه بن صالح و صعصعة نقشی در ورود حدیث به اندلس نداشته‌اند و پس از آنها حدیث در اندلس دو مرحله را طی کرده است: یکی مرحلهٔ آشنایی، که عبدالمکمل بن حبیب آن را بر عهده داشته و دیگری مرحلهٔ تحقق و وقوع، که توسط محمد بن وضاح و بقی بن مخلد به انجام رسیده است.

وی معتقد است نام پنج نفر به عنوان نخستین کسانی که حدیث را به اندلس وارد کرده‌اند، در

۱۹. تاریخ العلماء و الرواة للمعلم بالاندلس، ج ۱، ص ۱۰۸.

۲۰. محمد بن وضاح القرطبی، ص ۳۰.

۲۱. حدیث در اندلس، ص ۱۲۹ - ۱۶۰.

مصادر تاریخی به چشم می‌خورد:

۱. معاویة بن صالح حمصی (م ۱۵۸ق)، اهل سوریه،
 ۲. صعصعة بن سلام شامی (۱۸۰ یا ۱۹۲ یا ۲۰۲ق)، اهل سوریه،
 ۳. عبدالملک بن حبیب سلمی (م ۲۳۸ق)، اهل اندلس،
 ۴. بقی بن مخلّد (م ۲۷۶ق)، اهل قرطبه،
 ۵. محمد بن وضاح (م ۲۸۶ق)، اهل قرطبه.
- آن‌گاه به بررسی نقش این پنج نفر در ورود حدیث به اندلس پرداخته و به نتیجه‌ی پیش‌گفته می‌رسد.

۱. معاویة

وی اهل حمص سوریه است و سال ۱۲۵ق، سوریه را ترک کرد و قبل از سال ۱۳۸ق، به اندلس رسید. با این‌که معاویة از محدثان معروف در شرق است و شیخ کسانی مانند عبدالله بن وهب، سفیان بن عیینة، سفیان ثوری، واقدی و یحیی بن سعید است و روایاتش در صحاح سته به جز صحیح البخاری آمده است، لکن در روایات اندلس نامش نیست.

ابن‌وضاح در سفرش به شرق در سال‌های ۲۱۸ تا ۲۳۰ق، نزد یحیی بن معین تلمذ کرد. یحیی درباره‌ی روایات معاویة در اندلس از او پرسید و او پاسخ داد، روایتی نیست تا سماع گردد و گفت: لم یکن اهلها یومئذ اهل العلم.

همچنین ابن‌ایمن، یکی از شاگردان محمد بن وضاح، وقتی تعریف معاویة را در شرق شنید به جزیره‌ی ایبری بازگشت، ولی اثری از روایات او نیافت.

بنابراین، سندی در دست نیست که او در کار رواج حدیث در اندلس نقش داشته باشد و اگر حدیثی بر این مطلب دلالت کند، باید جعل شده، در نیمه‌ی نخست قرن سوم باشد.^{۲۲}

۲. صعصعة

وی نیز اهل سوریه است و نامش در هیچ سند اندلسی نیامده است؛ گذشته از آن‌که در شرق نیز فقیه‌ی غیر معروف بود که به کار حدیث اشتغال نداشت.

تنها ابن‌یونس محدث مصری (م ۳۴۷ق) او را نخستین راوی حدیث در اندلس می‌شمارد.^{۲۳}

۳. عبدالملک بن حبیب

او اهل اندلس است و سفرش را به شرق از سال ۲۰۸ق برای طلب حدیث آغاز کرد. عبدالملک در سه حوزه‌ی فقه، زهد و تاریخ تألیف دارد، ولی محوریت حدیث در آثار او جدی است. گفته‌اند آثار منحصرأ حدیثی داشته که مفقود شده‌اند.

۲۲. همان، ص ۱۳۳-۱۳۴.

۲۳. همان، ص ۱۳۳.

ابن عبدالبر او را به عنوان کسی که حدیث را به اندلس وارد کرد، معرفی می‌کند و درباره‌اش می‌گوید:
وكان لا يفهم طرفه و يصحف الاسماء و يحتج بالمناكير و كان اهل زمانه ينسبون له الكذب و
لا يرضونه.

و نیز گفته است:

كان يتساهل في سماعه و يحمل على طريق الاجازة اكثر روايته.^{۲۴}

۳. بقی بن مخلد

او دو بار به شرق سفر کرد و ۲۵ سال، از ۲۱۸ تا ۲۵۳ق، دور از اندلس بود. وی نزد ۲۸۴ استاد، مانند احمد بن حنبل، یحیی بن معین و ابوبکر بن ابی‌شیبه تلمذ کرد و آثاری از شرق را، مانند المصنف ابن‌ابی‌شیبه و الموطأ مالک، به اندلس برد.

بقی بن مخلد مسندی دارد که بر پایه روایات اصحاب و بر طبق فصول فقهی تنظیم شده است. از این کتاب تنها فهرست نام صحابیان باقی مانده است.

ابن عبدالبر درباره او گفته است:

كان بقی اول من كثّر الحديث بالاندلس و نشره.^{۲۵}

در این کتاب از ۱۰۱۳ صحابی، تعداد ۳۰۹۶۹ حدیث نقل شده است.

۵. ابن‌وضاح

وی دو بار به شرق سفر کرد. او از موالیان بوده و پدر بزرگش معتق بود. او سفر اول خود که به قصد گردآوری اطلاعات درباره زهاد انجام داد، با حدیث آشنا شد و سفر دوم را برای طلب حدیث انجام داد. وی نزد ۲۶۵ استاد تلمذ کرد و بسیاری از آثار شرقی، مانند: المصنف و کبیح، الجامع الکبیر سفیان سوری، المسند ابن‌ابی‌شیبه و السیر فزاری و فضل الجهاد ابن‌المبارک را در اندلس روایت کرد.

شاگردش احمد بن خالد درباره او نوشته است:

وكان ابن‌وضّاح كثيراً ما يقول ليس هذا من كلام النبي في شيء هو ثابت من كلامه و له خطأ كثير محفوظ عنه.

او کتاب‌هایی درباره رجال و تراجم نوشته است؛ مانند:

العباد والعباد، تسمية رجال عبدالله بن وهب، مناقب مالك بن انس و سيرة عمر بن عبدالعزيز که همگی مفقود شده و تنها کتاب البدع از او برجای مانده است.^{۲۶}

در اینجا مطلبی به ذهن نگارنده می‌رسد که چرا گروه دوم ورود الموطأ مالک به اندلس را منظور نکرده و آن را مبدأ ورود حدیث به اندلس قرار نداده‌اند. بی‌تردید، الموطأ مالک در اواخر قرن دوم به

۲۴. همان، ص ۱۳۸-۱۴۲.

۲۵. همان، ص ۱۴۲-۱۴۵.

۲۶. همان، ص ۱۴۵-۱۴۷.

اندلس رفته و محور مباحث و گفتگوهای علمی بوده است. ابو عبدالله زیاد بن عبدالرحمن اللخمی (م ۱۹۳ق) نخستین کسی است که این کتاب را به اندلس بُرد.^{۲۷}

۴. فعالیت‌های حدیثی مغاربه

محمد بن عبدالله التلیدی در کتاب تراث المغاربه آثار مکتوب مغاربه را در زمینه‌های حدیث و دانش‌های مرتبط شناسایی کرده است. وی در این کتاب ۱۲۱۳ اثر را، به ترتیب الفبایی آثار، آورده است. وی در معرفی هر اثر، پس از ذکر نام کتاب یا رساله، نام نویسنده و تاریخ ولادت وی را می‌نویسد و سپس اگر چاپ شده باشد، مشخصات طبع اثر را گفته؛ وگرنه مصادری را که از این اثر یاد کرده‌اند، معرفی می‌کند و در آخر به برخی توضیحات و اطلاعات تکمیلی می‌پردازد. نویسنده، در بخش فهرس، فهرست نویسندگان را به ترتیب قرون و فهرست آثار را بر اساس موضوعات و محتوا گزارش کرده است.

جدول یک. طبقات نویسندگان

قرن	تعداد نفرات	عدد آثار
سوم	۶	۲۳
چهارم	۲۴	۵۶
پنجم	۳۸	۱۴
ششم	۶۵	۱۷۱
هفتم	۶۴	۱۸۳
هشتم	۳۲	۱۵۴
نهم	۱۰	۱۶
دهم	۱۱	۱۴
یازدهم	۱۹	۳۷
دوازدهم	۳۳	۷۱
سیزدهم	۳۷	۶۹
چهاردهم	۷۳	۲۰۵
جمع	۴۱۲ محدث	۱۲۱۳ اثر ^{۲۸}

۲۷. طبق الارطاب، ص ۱۲۹.

۲۸. تراث المغاربه، ص ۳۸۴-۳۹۹.

این جدول، فراز و فرود فعالیت‌های حدیث را در قرون مختلف نشان می‌دهد. بر اساس این جدول، حدیث نزد مغاربه در چهار قرن اول سیر صعودی داشته است و در سه قرن بعد سیر نزولی پیدا می‌کند و سپس در پنج قرن آخر مجدداً سیر صعودی می‌یابد. جدول دو. تقسیم‌بندی آثار براساس موضوعات^{۲۹}

ردیف	موضوعات	تعداد آثار
۱	اجزاء و فصول	۱۹۲
۲	نصوص، جوامع، احادیث قدسی	۱۵۵
۳	شروح، حواشی، تعلیقات	۲۳۹
۴	پیامبر	۸۰
۵	اربعون نویسی	۱۴۹
۶	ادعیه و اذکار	۶۲
۷	غریب و مشکل الحدیث	۲۵
۸	موضوعات علل	۱۱
۹	المصطلح و قواعد الحدیث	۱۰۵
۱۰	تخریج، نقد اسانید	۵۶
۱۱	رجال، صحابه، انساب	۱۳۹
	۴۱۲ محدث	۱۲۱۳ اثر

۵. محدثان بزرگ و آثار برجسته حدیثی مغربی‌ها

مراد از محدثان بزرگ کسانی‌اند که تألیفات حدیثی بسیار داشته و یا در فعالیت‌های حدیثی مغاربه از شخصیت‌های تأثیرگذار به شمار می‌روند و یا این‌که استاد بسیار دیده و یا شاگردان بسیار تربیت کرده‌اند و یا در نقل و انتقال میراث حدیثی از شرق به غرب سهم ویژه‌ای داشته‌اند. در اینجا ده تن از این شخصیت‌ها را به اجمال معرفی کرده و در ضمن آن، برخی از آثار برجسته حدیثی مغاربه را نیز معرفی خواهیم کرد. البته دعوای استقصای کامل در میان نیست.

۱. محمد بن وضاح القرطبی (۱۹۹ - ۲۸۶ق)

وی در قرطبه به دنیا آمد و نخست، در اندلس به کسب دانش پرداخت و در آنجا از پانزده نفر حدیث

فراگرفت.^{۳۰}

او دو بار به شرق سفر کرد؛ در سفر اول، بیشتر برای ریاضت و عبادت و آشنایی با عباد و زهاد بود. عمر او در این زمان هیجده یا نوزده سال بود و حدود سال‌های ۲۱۸ - ۲۲۰ این سفر اتفاق افتاد. زمان حضور او در این سفر اندک بود و نزد چهارده تن از مشایخ کسب دانش کرد.^{۳۱}

سفر دوم در سال‌های پس از ۲۳۰ هجری بود در این سفر از ۱۶۵ نفر حدیث فراگرفت.^{۳۲} آثار ابن‌وضاح عبارت‌اند از:

۱. کتاب البدع و النهی عنهما

۲. کتاب النظر الی الله تعالی، و ما جاء فیہ من الحدیث.

۳. کتاب العباد و العواید، فی موضوع الزهد و الرقائق.

۴. کتاب مکنون السر و مستخرج العلم، فی فقه المالکیة.

۵. کتاب الصلاة فی التملین.

۶. کتاب رسالة السنة.

۷. کتاب القطمان فی الحدیث.^{۳۳}

از این آثار، کتاب اول به چاپ رسیده و نسخه خطی کتاب دوم در تونس موجود است، ولی سایر آثار وی مفقود است.^{۳۴}

در شرح حال وی کتابی با این مشخصه‌ها به چاپ رسیده است:

محمد بن وضاح القرطبی، مؤسس مدرسة الحدیث بالاندلس، د. معمر نوری، رباط: مكتبة المعارف، ۱۴۰۳ق/ ۱۹۸۳م.

نویسنده این کتاب پس از شرح حال وی، احادیث او را به روایت ابن‌عبدالبر استخراج کرده و در پایان کتاب آورده است.^{۳۵} همچنین فهرست مشایخ او را ضمیمه کتاب کرده است.^{۳۶}

۲. سحنون، ابوسعید سحنون بن سعید بن حبیب التنوخی (۲۰۲ - ۲۵۶ق)

سحنون را امام مذهب مالکی در آفریقا می‌نامند. وی در سفرش به شرق در مصر، مدینه، شام و مکه حدیث آموخت و بیشتر ملازم ابن‌وهب و ابن‌قاسم و اشهب بود و با آنان حج به جای آورد.^{۳۷}

۳۰. محمد بن وضاح القرطبی، ص ۵۸-۵۹.

۳۱. همان، ص ۶۰-۶۳.

۳۲. همان، ص ۶۶.

۳۳. همان، ص ۱۵۴.

۳۴. همان، ص ۱۵۲.

۳۵. همان، ص ۱۵۹-۲۸۱.

۳۶. همان، ص ۲۹۳-۳۵۰.

۳۷. المدونة الكبرى، ج ۱، ص ۱۰۱.

او بسیاری از کتب شرقی را به غرب آورد.^{۳۸}
از آثار وی دو کتاب به چاپ رسیده است:

۱. الجامع تفسیر القرآن، لعبدالله بن وهب بن مسلم (۱۲۵ - ۱۹۷) به روایت سخنون، این کتاب در سه جلد توسط انتشارات دارالغرب الاسلامی به چاپ رسیده است.
۲. المدونة الكبرى للامام مالک بن انس (م ۱۷۹ق) به روایت سخنون.

این کتاب سماعات ابن القاسم از مالک است که وقتی سخنون از او می‌پرسید، آنها را در جواب می‌گفت. سخنون علاوه بر جمع آنها اضافاتی را از الموطأ و سماعات خود از شیوخش نیز بر آن افزوده است. المدونة دومین کتاب مذهب مالکی پس از الموطأ است و محور شروح و تعلیقات بسیار قرار گرفته است.^{۳۹} این کتاب در پنج جلد توسط دارالکتب العلمیة در بیروت به چاپ رسیده است.

۳. بقی بن مخلد قرطبی (۲۰۱ - ۲۷۶ق)

وی در قرطبه زاده شد. نخست نزد محمد بن عیسی معافری، معروف به اعشی (م ۲۲۱ق) دانش آموخت و در حدود سال‌های ۲۲۶ق، به مصر رفت و پس از آن وارد کوفه شد. در این سفر حدود بیست سال در شرق ماند. سفر دوم او به شرق چهارده سال به طول انجامید و در سال ۲۷۳ق، به اندلس بازگشت.

وی در سفرهای خود در مصر، شام، کوفه و بغداد حضور یافت و برخی مدعی شده‌اند که به خراسان و همدان نیز رفت، ولی ذهبی این مطلب را انکار کرده است.^{۴۰}

بقی بن مخلد از ۲۴۸ نفر حدیث فراگرفت که نام ۶۲ نفر آنان در مصادر ذکر شده است.^{۴۱} نام شانزده نفر از شاگردان وی نیز در کتب تراجم مذکور است.
آثار حدیثی وی عبارت‌اند از:

۱. التفسیر الکبیر، ابن حزم گفته است:
هو الكتاب الذی أقطع قطعاً لا أستثنی فیہ انه لم یولف فی الاسلام مثله ولا تفسیر محمد بن جریر الطبری ولا غیره.
۲. المسند الکبیر، که در ادامه بدان خواهیم پرداخت.
۳. مصنف فی فتاوی الصحابة والتابعین و من دونهم.
۴. ماروی فی الحوض والکوثر،^{۴۲} این اثر به تازگی به چاپ رسیده است.^{۴۳}

۳۸. الجامع، ج ۱، ص ۱۹.

۳۹. طبق الارطاب، ص ۱۳۰ - ۱۳۱. و نیز جهت آگاهی از شروح، تعلیقات و تکمیلات المدونة، ر.ک: تاریخ الادب العربی، بروکلیمان.

۴۰. سیر اعلام النبلاء، ج ۱۳، ص ۲۹۰.

۴۱. بقی بن مخلد قرطبی، ص ۴۲ - ۴۵.

۴۲. همان، ص ۴۷ - ۵۱.

۴۳. مرویات الصحابة فی الحوض والکوثر، تحقیق: عبدالقادر محمد عطا صوفی، مکتبة العلوم والحکم، ۱۴۱۳ق.

وی آثاری را از شرق به غرب برد که در شش مورد تنها راوی مغربی به شمار می‌رود:

۱. مصنفه ابی بکر بن ابی شیبیه،
 ۲. کتاب الفقه، محمد بن ادريس شافعی،
 ۳. کتاب التاريخ، خلیفه بن خیاط،
 ۴. کتاب الطبقات خلیفه بن خیاط،
 ۵. کتاب سیر عمر بن عبدالعزیز، دورقی.^{۴۴}
- جالب است دانسته شود که او در ۵۵ شیخ با بخاری، ۸۹ شیخ با مسلم، ۱۰۳ شیخ با ابوداود، ۱۰۱ شیخ با ابن ماجه، ۵۵ شیخ با ترمذی و ۸۸ شیخ با نسایی اشتراک دارد.^{۴۵}
- در شرح حال وی چند کتاب مستقل تألیف شده است:

۱. الامام ابو عبدالرحمن شیخ الحفاظ بالاندلس، د. نوری معمر، بقی بن مخلد.
۲. بقی بن مخلد القرطبی و مقدمة مسنده، د. اکرم ضیاء العمری.

مسند بقی بن مخلد

مسند بقی بن مخلد از آثاری است که در قرن سوم، در مغرب تألیف شده و تا حدودی مشابه مسند احمد در شرق است؛ لکن مسند بقی از جهت کمی و کیفی بر مسند احمد رجحان دارد. ویژگی‌های کمی آن عبارت‌اند از: کثرت صحابه، کثر روایات، کثرت مشایخ و کثرت روایات برخی از صحابه در مقایسه با مسند احمد. امتیاز کیفی آن این است که در مسند احمد مرویات هر یک از صحابه نظم و ترتیب موضوعی ندارد، ولی بقی بن مخلد روایات هر یک از صحابه را در داخل مسند، به صورت موضوعی آورده است. جدول ذیل امتیازات کیفی مسند بقی را نشان می‌دهد.^{۴۶}

با تأسف باید گفت که از این مسند تنها مقدمه آن با نظم و ترتیب ابن حزم ظاهری باقی‌مانده که دکتر اکرم ضیاء العمری آن را تصحیح و به چاپ رسانده است. وی همچنین در پایان کتاب، نمونه‌هایی از احادیث بقی بن مخلد را آورده است.

همو یاد می‌کند که از این مسند دو جلد در اختیار ذهنی بوده و از آن بهره برده است. همچنین ابن حجر نیز این کتاب را در اختیار داشته است. محمد بن عبدالرحیم مبارکفوری (م ۱۲۵۲ق) مدعی شده است که نسخه‌ای از این مسند در کتابخانه آلمان موجود است، ولی تاکنون نشانی از آن به دست نیامده است.^{۴۷}

جدول بقی بن مخلد را - که مقدمه مسند نام گرفته - ابن حزم در کتاب جوامع السیره و ابن جوزی

۴۴. همان، ص ۵۲.

۴۵. مدرسة الحدیث بالاندلس، ص ۱.

۴۶. بقی بن مخلد القرطبی و مقدمة مسنده، ص ۲۵.

۴۷. همان، ص ۲۶-۲۸.

در کتاب تلفیح لہوم اہل الاثر آورده‌اند. ۴۸

مسنند احمد	مسنند بقی	
۳۰۰۰۰	۳۰۹۶۹	۱. تعداد احادیث
۹۰۴	۱۰۱۳	۲. تعداد صحابه
۲۸۷۹	۵۳۷۴	۳. روایات ابی ہریرة
۳۱۰	۵۳۷	۴. روایات عمر بن الخطاب
۲۰۲۹	۲۲۱۰	۵. روایات عبدالله بن عمر
۹۰۰	۸۴۸	۶. روایات عبدالله بن مسعود
۸۱۹	۵۸۶	۷. روایات علی بن ابی طالب <small>ؑ</small>
۱۳۳۰	۲۲۱۰	۸. روایات عائشة (رض)
۵۳	۱۵۷	۹. معاذ بن جبل
۲۱۹۲	۲۲۸۶	۱۰. انس بن مالک
۱۲۷	۲۰۰	۱۱. تعداد اجزاء
۲۸۳	۲۸۴	۱۲. تعداد مشایخ

۴. ابو محمد قاسم بن ثابت سرقسطی (۲۵۵ - ۳۰۲ ق)

او در شمال شرق اندلس در شهر سرقسطا زاده شد. قاسم بن ثابت، علاوه بر سفر به شهرهای اندلس مانند قرطبه، به شرق نیز مسافرت کرد و در مصر و مکه حضور یافت. ۴۹ او را محدث، فقیه و ادیب شناخته‌اند و در این عرصه‌ها نزد ۳۸ نفر تلمذ کرد. ۵۰

کتاب الدلائل فی غریب الحدیث او، پس از کتاب قاسم بن سلام و کتاب ابن قتیبہ، سومین اثر برجستہ کهن در زمینہ غریب الحدیث به شمار می‌رود که ناظر به آن دو کتاب نگارش شده است ۵۱ و آنچه را آن دو از قلم انداخته و یا به نظر وی ناصواب بوده، استدراک و اصلاح کرده است.

۴۸. همان، ص ۵

۴۹. کتاب الدلائل، ج ۱، ص ۲۴-۳۰.

۵۰. همان، ص ۳۰-۳۶.

۵۱. همان، ص ۴۴-۴۹.

مقدمه و آغاز این کتاب مفقود است و از این جهت، روش وی آشکار نیست، ولی محقق اثر مطالبی را از لابه لای کتاب، در منهج و روش او به دست آورده و تحلیل کرده است.

این کتاب براساس دو نسخه تصحیح شده و در دو جلد در سال ۱۴۲۲ق / ۲۰۰۱م، از سوی مکتبه العبیکان در ریاض به چاپ رسیده است.

دکتر محمد بن عبدالله القناص این تحقیق را جهت پایان نامه دکتری خود به انجام رسانده است. ۵۲

۵. ابن عبدالبر، ابو عمر یوسف بن عبدالله بن محمد بن عبدالبر ابن عاصم غری (۳۶۸ - ۴۶۳ق) فقیه، محدث، تاریخ نگار و ادیب اندلسی که در قرطبه زاده شد. ابن عبدالبر هیچ گاه از اندلس خارج نشد و تمامی استادان از همان منطقه‌اند. برخی از آثار حدیثی وی عبارت‌اند از:

۱. التمهید لما فی الموطأ من المعانی.
۲. الاستذکار، این کتاب تحریر دیگری از التمهید است.
۳. الاستیعاب فی معرفة الاصحاب، که بارها به چاپ رسیده است.
۴. جامع بیان العلم و فضله، این کتاب نیز بارها به چاپ رسیده است.
۵. الدر فی اختصار المغازی و السیر.
۶. الزیادات التي تقع فی الموطأ عند عیسی بن یحیی عن مالک.
۷. الابناء علی قبائل الرواة در این کتاب قبیله‌هایی را که رجال آن از پیامبر حدیث شنیده‌اند، معرفی کرده است. ۵۳

در کتاب تراث المغاربة ۲۱ اثر حدیثی برای وی شمارش شده است. ۵۴

درباره ابن عبدالبر و روش حدیثی او تاکنون سه کتاب بدین شرح به چاپ رسیده است.

۱. مدرسة الامام ابن عبدالبر فی الحدیث و الفقه، ج ۲، محمد بن یعیش، المملكة المغربية، ۱۴۱۴ق / ۱۹۹۴م.

۲. الامام ابن عبدالبر حیاته و آثاره و منهجه فی فقه السنة، محمد بن یعیش، ۱۴۱۰ق / ۱۹۹۰م.

۳. ابن عبدالبر و جهوده فی التاريخ، لیث سعود الجاسم، دارالوفاء، ۱۴۰۷ق / ۱۹۸۶م.

التمهید

یکی از مهم‌ترین شروح الموطأ مالک کتاب التمهید ابن عبدالبر است. وی در ابتدا مقدمه‌ای مفصل درباره برخی از مباحث علوم الحدیث دارد و سپس به شرح می‌پردازد. در شرح هم جانب مباحث حدیثی را به کفایت رعایت کرده و هم جانب مباحث فقهی و استدلال‌های فقهی را. او در بخش حدیث به مرسلات الموطأ پرداخته و با اسنادی اتصال آنها را مطرح کرده است و اختلاف روایات را در

۵۲. برای آگاهی بیشتر درباره کتب غریب الحدیث ر.ک: مقاله «سیر تدوین غریب الحدیث».

۵۳. ر.ک: دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۱۸۲ - ۱۸۳.

۵۴. تراث المغاربة، ص ۳۸۶.

اسناد گزارش کرده، احادیث الموطأ را تخریج کرده است. همچنین روایات متناسب را از برخی کتب حدیث مانند مسند بقی بدان افزوده است.

در بخش فقهی و فقه الحدیث معانی کلمات و مشکلات را به خوبی شرح کرده و استدلال‌های فقهی را به گستردگی گزارش می‌کند و اقوال صحابه و تابعان را در هر مسأله می‌آورد.

التمهید چندین نوبت و با تحقیق‌های متفاوت به چاپ رسیده است:

۱. تحقیق: مصطفی بن احمد العلوی و محمد عبدالکبیر البکری، ۲۶ جلد، مراکش: دارالحدیث الحسنية، ۱۳۸۷ق / ۱۹۶۷م.

۲. تحقیق: سعید احمد اعراب، ۱۴ جلد، المملكة المغربية، ۱۴۰۳ق / ۱۹۸۳م.

۳. تحقیق: اسامة بن ابراهیم، ۱۷ جلد، قاهرة، ۱۴۲۰ق / ۱۹۹۹م.

۴. تحقیق: عبدالرزاق المهدي، ۹ جلد، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق / ۲۰۰۰م.

۵. تحقیق: محمود شاکر، ۱۰ جلد، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۵ق / ۲۰۰۷م.

همچنین التمهید والاستذکار ابن عبدالبر و القس ابن عربی در یک مجموعه با عنوان موسوعة شروح الموطأ در ۲۵ جلد در قاهره به سال ۱۴۲۶ق / ۲۰۰۵م، به چاپ رسیده است.

۶. ابوالولید سلیمان بن خلف بن سعد بن ایوب الباجی (۴۲۳ - ۴۹۴ق)

وی را محدث، فقیه و متکلم نامیده‌اند که مدتی در اندلس حدیث فراگرفت و سپس به شرق رفت و از ابوذر هروی، ابوعلی بغدادی، مقری و صیمری حدیث آموخت. مدت اقامتش در شرق سیزده سال بود و سپس به اندلس بازگشت. وی در سفر به شرق، در بغداد، دمشق و حجاز حضور یافت.^{۵۵}

او کتاب‌های بسیار نوشته که آثار حدیثی‌اش عبارت‌اند از:

۱. التعديل والتجريح فیمن روی عن البخاری فی الصحیح،

۲. المتقی شرح الموطأ.

المتقی دارای چاپ‌های متعددی است:

۱. تحقیق: محمد عبدالقادر احمد عطا، ۹ جلد، دارالکتب العلمیة، بیروت، ۱۴۲۰ق / ۱۹۹۹م.

۲. تحقیق: محمود شاکر، ۱۰ جلد، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۲۷ق / ۲۰۰۵م.

۷. ابو محمد عبدالرحمن بن عتاب (۴۳۳ - ۵۲۸ق)

او در قرطبه زاده شد و روایت بسیار می‌دانست و در کار حدیث دقیق بود. وی نزد پدرش، ابن عبدالبر و تعدادی از مشایخ آن زمان حدیث فراگرفت.^{۵۶}

آثار او عبارت‌اند از:

۵۵. المتقی، ج ۱، ص ۴-۶.

۵۶. حركة الحدیث بقرطبة، ص ۲۶۷-۲۷۹.

۱. شفاء الصدور فی الزهد والرقائق،

۲. الفهرست،

۳. عوالی ابن محمد بن عتاب. ۵۷

خالد الصمدی نویسنده کتاب حرکت الحدیث بقرطبه خلال القرن الخامس الهجری نیمی از کتابش را به معرفی ابن عتاب و بازسازی کتاب الفهرست او، بر پایه کتاب فهرست الفهارس عبدالحی کتانی، اختصاص داده است.

وی پس از معرفی اجمالی زندگی علمی او، کتاب الفهرست ابن عتاب را به تفصیل آورده و در پایان جدولی از کتاب‌های معرفی شده در فهرست ابن عتاب بدین ترتیب ارائه داده است:

۱	علوم القرآن	۳۳ اثر
۲	حدیث و علوم حدیث	۱۰۳ اثر
۳	سیره و انساب	۷ اثر
۴	فقه مالکی	۱۰ اثر
۵	اصول دینی و اصول فقه	۳ اثر
۶	کتب الفرائض	۶ اثر
۷	کتب الاشریه	۴ اثر
۸	رؤیا	۵ اثر
۹	زهد	۷۹ اثر
۱۰	لغت و شعر و ادب	۴۷ اثر
۱۱	فهارس	۱۰ اثر
۱۲	اجازات	۲۰ اثر ۵۸

در مجموع، ۳۲۸ کتاب و رساله در این فهرست معرفی شده است.

۸. ابن عربی، ابوبکر محمد بن عبدالله بن محمد بن عبدالله بن احمد معافری شبیلی (۴۶۸ - ۵۴۳ق) او فقیه مالکی و محدث نامدار اندلس است و به همراه پدرش، پس از سقوط عباسیان در سال ۴۸۴ق، در اوایل سال ۴۸۵ق، به شرق سفر کرد. نخست، به مصر و سپس شام و در ادامه به بغداد رفت. در این مدت از اساتید بزرگ شرق در فقه و حدیث بهره گرفت و در سال ۴۹۵ق، به اندلس بازگشت. گفته‌اند وی موضع سلفی داشته و همواره مذاهب مختلف کلامی و فیلسوفان را مورد حمله قرار می‌داده است. در پذیرش حدیث و عمل بدان بسیار سخت‌گیر بود و در این زمینه از ابن حزم متأثر بوده است. بهره‌اش از حدیث بسیار بود تا آنجا که این کثرت برخی را به وی بدگمان کرد. برخی از آثار حدیثی او عبارت‌اند از:

۱. عارضة الاحوذی در شرح سنن ترمذی، که بارها به چاپ رسیده است.

۲. القبس در شرح الموطأ مالک، که در این سال‌های اخیر به چاپ رسیده است.^{۵۹}

در کتاب تراث المغاربة برای وی ۲۳ اثر حدیثی معرفی شده است.^{۶۰} او در انتقال آثار مشرقیان به مغرب نقش بسزایی داشته است.^{۶۱}

القبس فی شرح موطأ ابن اس

یکی از شروح الموطأ مالک کتاب القبس است. این کتاب تاکنون در دو نوبت، بدین صورت به چاپ رسیده است:

۱. تحقیق: دکتر محمد عبدالله ولد کریم، ۳ جلد، بیروت، دار المغرب الاسلامی، ۱۹۹۲م،

۲. تحقیق: ایمن نصر الازهری و علاء ابراهیم الازهری، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۴ جلد، ۱۴۱۹ق / ۱۹۹۸م.

۹. قاضی عیاض، ابوالفضل عیاض بن موسی بن عیاض (۴۷۶ - ۵۴۴ق)

وی در سبته به دنیا آمد و جهت تکمیل دانش در سی سالگی به قرطبه رفت. پس از سه سال، از آنجا به مرسیه در شرق اندلس سفر کرد تا ابوعلی صدفی را ملاقات کند. وی پس از این رحله علمی به سبته بازگشت و عهده‌دار منصب قضاوت شد. او بجز سبته در غرناطه نیز عهده‌دار منصب قضا بود. وی از مشایخ بسیاری دانش و حدیث فراگرفت؛ مانند: ابوعلی الصدفی، عبدالرحمن بن عتاب، ابن رشد، ابوبکر ابن عربی، محمد بن عیسی التیمی و النسانی.

تألیفات قاضی عیاض در حدیث و فقه و تاریخ و معاجم بسیار است. فهرست آثار حدیثی وی از این قرار است:

۱. مشارق الاتوار علی صحاح الآثار، این کتاب در دو جلد به چاپ رسیده است،

۵۹. دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۲۲۳-۲۲۵.

۶۰. تراث المغاربة، ص ۳۸۷.

۶۱. دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۴، ص ۲۲۵.

۲. اكمال المعلم بفوائد مسلم، این کتاب در دو جلد به چاپ رسیده است.
۳. بغية الرائد لما تضمنه حديث ام زرع من الفوائد، این کتاب در یک جلد به چاپ رسیده است.
۴. الشفا بتعريف حقوق المصطفى، این کتاب در دو جلد به چاپ رسیده است.
۵. الانماع في ضبط الرواية و تقيد السماع.
۶. الغنية، این کتاب در یک جلد به چاپ رسیده است.
۷. المعجم في شيوخ ابن مسكرة الصدفی.
۸. ترتيب المدارك و تقريب المسالك لمعرفة اهل مذهب مالك، دو کتاب در معرفی او به چاپ رسیده که عبارت‌اند از:
 ۱. الفاضی عیاض و جهوده فی علمی الحدیث روایة و درایة، بشیر علی محمد الترابی، دار ابن حزم، ۱۴۱۸ق/ ۱۹۹۷م.
 ۲. التعریف بالفاضی عیاض، لولده ابو عبدالله محمد، المملكة المغربية، ۱۴۰۲ق/ ۱۹۸۲م.

۱ کمال المعلم

این کتاب تکمیل شرح صحیح مسلم ابو عبدالله محمد بن علی مازری (۴۵۳ - ۵۳۶) است که عنوان آن المعلم بفوائد مسلم بوده است. قاضی عیاض این کتاب را در تکمیل آن شرح تحریر کرده آن گونه که محقق کتاب، دکتر یحیی اسماعیل تتبع کرده، شرح قاضی عیاض ۲۱ مزیت بر کار مازری در المعلم دارد.^{۶۲}

این کتاب نخست، در سال ۱۹۸۸م، با تحقیق الشیخ محمد الشاذلی النیفر در بیت الحکمة الجزایر در سه جلد منتشر شد.

چاپ دوم آن، تحقیق دکتر یحیی اسماعیل است که در نه جلد از سوی انتشارات دار الوفاء در سال ۱۴۱۹ق/ ۱۹۹۸م، منتشر شده است.

گفتنی است المعلم نیز به صورت رحلی در مصر در سال ۱۴۱۳ق/ ۱۹۹۳م، به دست طبع سپرده شد و یک جلد آن تاکنون به چاپ رسیده است.

۱۰. عبدالحی بن عبدکبیر الکتانی (۱۳۸۲ق)

وی نویسنده کتاب فهرس الفهارس والاثبات است. در این کتاب، فهرست فهرست‌ها، مشیخه‌ها، معاجم و مسلسلات را در حوزه حدیث گرد آورده است.

مجموع فهرس یاد شده ۵۶۳ عنوان و شرح حال افراد ترجمه شده ۶۲۲ نفر است.^{۶۳}

کتاب در سه جلد به همت دکتر احسان عباس از سوی دار الغرب الاسلامی در بیروت به سال ۱۴۰۶ق/ ۱۹۸۶م، به چاپ رسیده است.

۶۲. اكمال المعلم، ج ۱، ص ۳۵-۳۷.

۶۳. فهرس الفهارس، ج ۲، ص ۲۹۹۱-۲۳۲.

آثار عبدالحی، در مقدمه همین کتاب، ۱۳۰ اثر دانسته شده^{۶۴} و نویسنده تراث المغاربة ۱۳۸ اثر از او معرفی کرده است.

کتابی برخی از مشایخ خود را نام برده که ۱۶۷ نفر است.^{۶۵}

۶. ویژگی‌های حوزه حدیثی مغاربه

چنان‌که از مباحث پیشین به دست می‌آید مغربی‌ها فعالیت‌های چشمگیری در زمینه حدیث و دانش‌های مرتبط با آن داشته‌اند. با تأملی اجمالی می‌توان برخی از مشخصه‌ها و ویژگی‌های فعالیت حدیثی در آن منطقه را استخراج کرد؛ البته تحلیل گسترده و عمیق، نیازمند تأمل‌های بیشتر است:

۱. محور بودن کارهای حدیثی شرقی و ایرانی

نگاه اجمالی به آثار مغاربه نشان می‌دهد که بخش مهمی از مؤلفات و فعالیت‌های آنان بر محور آثار حدیثی شرقی و نیز ایرانی است. شرح نویسی بر کتب حدیث، استخراج رجال و شرح حال راویان برخی از کتب، تنظیم مشایخ برخی از مؤلفان کتب حدیثی و نیز کارهای پیرامونی دیگر، مانند نگارش غریب الحدیث یک کتاب حدیثی بر این مطلب دلالت دارد. بررسی اجمالی کتاب تراث المغاربة - که در آن ۱۲۱۳ اثر حدیثی مغربی‌ها معرفی شده - نشان از آن دارد که بیش از یک سوم آثار بر محورهای کاری شرقی و ایرانی است. (به جدول نخست صفحه بعد بنگرید).

۲. محور بودن الموطأ و حدیث مالک

یکی از مشخصه‌های حدیثی مغربیان پرداختن بسیار به الموطأ مالک است. چنان‌که بیش از این نیز اشاره شد، نخستین اثر شرقی که بدان سامان رفت الموطأ مالک بود و تا سال‌ها این کتاب مانع شکل‌گیری دیگر فعالیت‌های حدیثی در آن دیار بود. از آن زمان به بعد نیز بخش قابل توجهی از آثار مغربی‌ها بر محور این کتاب بود.

در کتاب تراث المغاربة بیش از صد اثر درباره الموطأ مالک معرفی شده که $\frac{1}{3}$ کل آثار مغاربه را تشکیل می‌دهد.

به این فهرست، بر اساس کتاب تراث المغاربة بنگرید: (جدول دوم صفحه بعد)

۳. عدم شکل‌گیری اخباری‌گری و سلفی‌گری

در میان فعالیت‌های حدیثی مغربی‌ها و جریان‌های فکری آن کمتر نشانی از اهل حدیث یا سلفی‌گری، بسان آنچه در مشرق شکل گرفت، دیده می‌شود. بررسی آثار آنان نیز نشان از این مسأله دارد.

۶۴. تراث المغاربة، ص ۲۵۶.

۶۵. فهرس الفقهاء، ج ۱، ص ۲۴-۳۲.

موضوعات	آثار مربوط به کتب شرقی و ایرانی	کل آثار
۱. اجزاء	—	۱۹۲ اثر
۲. نصوص و جوامع حدیثی	۶۶ اثر ۷۹	۱۵۵ اثر
۳. شروع، حواشی	۶۷ اثر ۲۳۹	۲۳۹ اثر
۴. سیره پیامبر	۶۸ اثر ۱۵	۸ اثر
۵. اربعین نویسی	—	۱۴۹ اثر
۶. ادعیه	۶۹ اثر ۳	۶۲ اثر
۷. غریب و مشکل الحدیث	۷۰ اثر ۲۷	۲۵ اثر
۸. موضوعات	۷۱ اثر ۳	۱۱ اثر
۹. مصطلح الحدیث	۷۲ اثر ۲۷	۱۰۵ اثر
۱۰. تخریج اسانید	۷۳ اثر ۲۰	۵۶ اثر
۱۱. صحابه، رجال	۷۴ اثر ۴۹	۱۳۹ اثر
جمع کل	۴۶۲ اثر	۱۲۱۳ اثر

اجزاء	۲ اثر
نصوص و جوامع	۱۸ اثر
شروع	۴۸ اثر
اربعون و مسلسل	۴ اثر
غریب الحدیث	۴ اثر
موضوعات	۱ اثر
مصطلح الحدیث	۱ اثر
تخریج، اسناد	۱۳ اثر
رجال - صحابه	۱۱ اثر
جمع کل	۱۰۲ اثر

۶۶. تراث المغاربة، ص ۳۱۱-۳۱۷.
 ۶۷. همان، ص ۳۱۷-۳۲۵.
 ۶۸. همان، ص ۳۲۷-۳۲۵.
 ۶۹. همان، ص ۳۳۰-۳۳۵.
 ۷۰. همان، ص ۳۳۶-۳۳۵.
 ۷۱. همان، ص ۳۳۶.
 ۷۲. همان، ص ۳۳۶-۳۴۰.
 ۷۳. همان، ص ۳۴۲-۳۴۰.
 ۷۴. همان، ص ۳۴۶-۳۴۲.

از سوی دیگر، می‌توان نشانه‌هایی از تصوف را در آن منطقه نشان کرد؛ در مثل، احمد بن الصدیق الغماری (م ۱۳۸۰ق) ۱۰۱ اثر حدیثی دارد که بخشی از آنها به مباحث عرفان و تصوف اختصاص دارد؛ مانند:

- عواطف اللطائف من احادیث عوارف المعارف،
- درء الضعف عن حدیث من عشق ففف،
- غنیة العارف بتخریج عوارف المعارف،
- الاسرار العجیبة بشرح اذکار ابن عجیبة.

البته می‌توان ادعا کرد جریان فکری غالب جریان اعتدالی است.^{۷۵}

در پایان لازم است اشاره گردد که مباحث جدی دیگری در تحلیل حوزه حدیثی مغاربه وجود دارد که در این نوشتار مختصر بدان پرداخته نشد؛ مانند:

۱. بررسی انتقال کتب شرقی به مغرب،^{۷۶}

۲. بررسی رله‌ها و سفرهای حدیثی مغاربه،

۳. بررسی اجازات مغربی‌ها،

۴. حلقه‌های درسی و مجالس حدیثی در مغرب،

۵. خاندان‌های برجسته حدیثی،

۶. سهم زنان مغربی در نشر حدیث،

۷. پژوهش‌های حدیثی معاصر مغاربه.

امید است این نوشتار گام کوچکی در گشودن باب پژوهش در این موضوع برداشته باشد.

کتابنامه

- بقی بن مخلد القرطبی و مقدمه مسنده، بقی بن مخلد قرطبی، اکرم ضیاء العربی، ۱۴۰۴ق.
- تاریخ الادب العربی، کارل بروکلیمان، محمود فهمی حجازی، مصر: هیئة المصرية العامة للكتاب، ج ۹، ۱۹۹۳م.
- تاریخ العلماء والرواه للعلم بالاندلس، عبدالله بن محمد ابن فرضی، عزت العطار الحسینی، قاهره: مکتبة الخانجی، ج ۲، ۱۳۷۳ق.
- تراث المغاربة فی الحدیث النبوی، محمد بن عبدالله تلیدی، بیروت: دارالبشائر الاسلامیه، ۳۹۹ ص، ۱۴۱۶ق.
- الجرح والتعدیل فی المدرسة المغربیة، ابراهیم بن صدیق، مغرب: مطبعة فضالة، ج ۲، ۱۴۲۱ق.

۷۵. ر.ک: «نگاهی به جریان‌های حدیثی معاصر اهل سنت»، ص ۳-۱۵.

۷۶. در این زمینه بنگرید به مقاله: «الکتب الحدیثیة المشرقیة فی الاندلس»، د. محمد بن زین العابدین رستم، مجلة الاحیاء، ش ۳۲ (ربیع الثانی ۱۴۲۴ق ۲۰۰۰م) ص ۲۱۳-۲۲۹.

- حركه الحديث بقرطبة، عبدالرحمن ابن عتاب، خالد الصمدی، مغرب: وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية، ۱۴۱۵ق.
- دايرة المعارف بزرگ اسلامى، محمد كاظم موسوى بجنوردى، تهران: مركز دايرة المعارف بزرگ اسلامى، ۱۳۶۹ش.
- الدلائل فى غريب الحديث، قاسم بن ثابت سرقسطى، محمد بن عبدالله القناص، رياض: مكتبة العبيكان، ۳، ج، ۱۴۲۲ق.
- سير اعلام النبلاء، محمد بن احمد ذهبى، عمر بن غرامة العمروى، بيروت: دارالفكر، ۱۸، ج، ۱۴۱۷ق.
- طبق الارطاب ليما انتظناه من مسانيد الائمة، محمد بن عبدالله حسيني علوى، مغرب: وزارة الاوقاف و الشؤون الاسلامية، ۱۴۲۰ق.
- فهرس الفهارس كتب السنة ام عبدالله عسلى، محمد بن حمزة بن سعد، رياض: دارطبية، ۱۴۰۷ق.
- فهرس الفهارس والايات، عبدالحى بن عبدالكبير كتانى، احسان عباس، بيروت: دارالغرب الاسلامى، ۳، ج، ۱۴۰۲ق.
- لغت نامه دهخدا، على اكبر دهخدا، تهران: دانشگاه تهران، ۱۵، ج، ۱۳۷۲ش.
- محمد بن وضاح القرطبي، نوري معمر، رباط: مكتبة المعارف ۱۴۰۳ق.
- مدرسة الحديث فى القيروان، شواط، حسين بن محمد، ۱۴۱۱ق، رياض، الدار العالميه للكتاب الاسلامى، ۲، ج، ۱۳۶۹
- المدونة الكبرى، الامام سحنون بن سعيد التَّنُوخى (م ۲۴۰ق)، بيروت: دارالكتب العلمية.
- مرويات الصحابة فى الحوض والكوثر، قرطبي، بقى بن مخلد، عبدالقادر بن محمد، ۱۴۱۳ق، مدينه، مكتبه العلوم والحكم، ۲۰۶، ص، ۱۳۷۱
- معجم شيخ ابي عبدالرحمن بقى بن مخلد، نوري معمر، تطوان، مطبعه الهدايه، ۱۴۰، ص، ۴، ۶، مقدمه‌اى بر تاريخ مغرب اسلامى، عبدالله ناصرى طاهرى، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، اول، ۱۳۸۵.
- المتقى شرح موطا مالك بن انس، سليمان بن خلف باجى، قاهره: دارالكتاب الاسلامى، ۷، ج، ۱۳۳۲ق.
- «حديث در اندلس»، ايزابل فيهرو، ترجمه: محمد كاظم رحمتى، فصلنامه علوم حديث، ش ۱۶ (تابستان ۱۳۷۹)، ص ۱۲۹ - ۱۶۰.
- «سير تدوين غريب الحديث»، عبدالهادى مسعودى، فصلنامه علوم حديث، ش ۱۳ (پاييز ۱۳۷۸)، ص ۹۲ - ۱۱۰.
- «نگاهى به جريان هاى حديثى معاصر اهل سنت»، مهدى مهريزى، فصلنامه علوم حديث، ش ۳۴ (زمستان ۱۳۸۳)، ص ۳ - ۱۵.